

Research Article

Basics and Principles of Harsh Revenge in Quran and Hadith

Rasul Tajik Ismaili¹, Akbar Ashrafi^{2*}, Ahmad Bakshaishi Ardestani³, Abdul Hosseinullah Karam⁴

Abstract

Each of the actions and behavior of people and officials in an Islamic system must be based on the teachings of Islam. One of the issues that a Muslim country is facing is the enmity of its enemies, which leads to problems and damages. Revenge is one of the measures against these blows from the enemies. Therefore, in this research, an attempt is made to explain the most important principles and principles that exist in the verses and traditions for revenge. Of course, against an enemy who does not stop enmity, "hard revenge" is proposed, so there will be these bases for hard revenge as well. Among the results obtained in this research is that harsh revenge is certain and accepted in Islam, some of its foundations are: the existence and oneness and justice of God, the resurrection, the dignity of man and the sanctity of his life and his responsibility. Also, some of the most important principles of revenge are the principle of taking revenge, anti-cruelty, justice in revenge, reciprocation and preserving human dignity and life.

Keywords: Basics, Principles, Hard Revenge

How to Cite: Tajik Ismaili R, Ashrafi A, Bakshaishi Ardestani A, Karam A.H., Basics and Principles of Harsh Revenge in Quran and Hadith, Iranian and British Law, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;14(56):551-578.

1. PhD student of Political Thought, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. Associate Professor, Department of Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

3. Professor of the Department of Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

4. Assistant Professor, Department of Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

مبانی و اصول انتقام سخت در قرآن و حدیث

رسول تاجیک اسماعیلی^۱، اکبر اشرفی^{۲*}، احمد بخشایشی اردستانی^۳، عبدالحسین الله کرم^۴

چکیده

هر کدام از اعمال و رفتار مردم و مسئولان در یک نظام اسلامی باید مبتنی بر تعالیم اسلام باشد. یکی از مسائلی که یک کشور مسلمان با آن مواجه است، دشمنی و خصومت دشمنان است که منجر به ایجاد مشکلات و خساراتی می شود. در برابر این ضرباتی که از جانب دشمنان ایجاد می شود یکی از اقداماتی که انجام می شود انتقام است. لذا در این تحقیق تلاش می شود مهم ترین مبانی و اصولی که در آیات و روایات برای انتقام وجود دارد تبیین شود. البته در برابر دشمنی که دست از دشمنی بر نمی دارد «انتقام سخت» مطرح است لذا این مبانی برای انتقام سخت نیز وجود خواهد داشت. از جمله نتایج به دست آمده در این تحقیق این است که انتقام سخت امری مسلم و پذیرفته شده در اسلام است که برخی از مبانی آن عبارتند از: وجود و یگانگی و عدالت خداوند، کرامت انسان و حرمت جان او و مسئولیت او. همچنین برخی از مهم ترین اصول انتقام، اصل انتقام گرفتن، ظلم ستیزی، عدالت در انتقام، مقابله به مثل و حفظ کرامت و جان انسان است.

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. استاد گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. استادیار گروه اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

واژگان کلیدی: مبانی، اصول، انتقام سخت

مقدمه و بیان مسئله

از دیرباز، جبهه حق و باطل در برابر یکدیگر قرار داشتند و تجاوز از سوی جبهه باطل و دفاع و جهاد از سوی جبهه حق در جریان بوده است. در مقابل تعدی و تجاوزی که از سوی مستکبران و جبهه باطل انجام می شود سه راهبرد کلی را می توان تصور کرد. اول: پیش از شروع تجاوز که باید با شیوه های مختلف از آن جلوگیری نمود؛ دوم، دفاع یعنی هنگام تهاجم، باید مانع از پیشروی او شد و سوم، پس از تهاجم و وارد آوردن ضربه بر جبهه حق. در این مرحله دو کار اساسی در پیش رو است: ۱. با نگاه به داخل باید خسارات وارده را جبران کرد و ۲. با نگاه به بیرون باید از دشمن، انتقام گرفت.

مسئله اصلی این تحقیق، بخش انتقام از دشمن است. یعنی پس از تهاجم دشمن و وارد آوردن ضرباتی بر جبهه حق، آیا بر اساس قرآن و روایات می توان از او انتقام گرفت و یا این که باید نسبت به او صبر داشت؟ با توجه به این که پس از جنایت آمریکا در حمله ناجوانمردانه به سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و به شهادت رساندن ایشان، رهبر معظم انقلاب اسلامی بحث انتقام سخت را مطرح کردند، پیشفرض این تحقیق این است که اصل انتقام باید انجام شود و به دنبال تبیین مبانی و اصول شرعی این انتقام می باشد. به این منظور پس از مفهوم شناسی واژگان کلیدی با جمع آوری آیات و روایات مربوط به انتقام و تحلیل آن ها مبانی و اصول انتقام سخت مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

مفهوم شناسی واژگان کلیدی

اجمالاً باید گفت کلمه «مبانی» در «لغت» جمع مبنا است. مبنا در منابع لغوی به مفهوم «اساس، اصل، بنیاد، بنیان، پایه، شالوده، ماخذ، بنا، ساختار» آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۳، ۲۰۹۹). در «اصطلاح» مبانی به خاستگاه های اصلی و بنیادین اندیشه متفکر و اندیشمند مورد بحث اطلاق می شود. به عبارت دیگر مبانی به اندیشه ها و واقعیاتی که در عالم خارج وجود دارند یعنی همان هست ها و نیست ها اطلاق می شود.

«اصول» جمع واژه «اصل» از ماده اصلی «ا ص ل» در لغت به معنای است. در اصطلاح بسته به علمی که در آن به کار می‌رود مفهوم آن متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال در علم کلام اصول در مقابل فروع عبارت از قواعد کلیه اعتقادی (ایدئولوژی اسلام) است. (ولایی، ۱۳۸۷: ۱۰۰). و در علم اصول، به مفهوم «عبارت است از قواعد کلیه‌ای که در مورد چگونگی استنباط بحث می‌کند.» (ولایی، همان). در اینجا نیز منظور از اصول، بایدها و نبایدهای کلی است که از مبانی قابل استنتاج هستند.

انتقام سخت از دو واژه انتقام و سخت تشکیل شده است. انتقام، از ماده «ن ق م» در لغت به معنای «تقاص، تلافی، خونخواهی، کیفر» می‌باشد. (دهخدا، ۳، ۳۴۵۸). این معنای لغوی به آنچه ما از مفهوم انتقام در اصطلاح اراده می‌کنیم نزدیک است. منظور ما از انتقام خونخواهی از دشمن به دلیل جنایات او بر علیه ما می‌باشد.

واژه سخت وقتی پس از انتقام به کار می‌رود به معنای انتقامی بر خلاف عدالت و ظلم نیست. زیرا عدل یکی از اموری است که اساسا مورد تأکید دین اسلام قرار گرفته است و باید در همه شئون مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترک عدالت نکشانند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!»

بنابر این انتقام سخت یعنی انتقامی که نرم نیست و شدید و بازدارنده است؛ ارفاق و تسامحی در آن راه ندارد و بر اساس قانون اسلام که البته عادلانه است، عمل می‌شود. انتقام سخت، در مورد کسی اجرا می‌شود که خطاکار و مجرم است و شایستگی تخفیف ندارد. پس منظور از سخت، در عبارت انتقام سخت، تأکید بر حتمیت وقوع آن و نیز انتقام از دشمنی‌های گذشته و حال می‌باشد. پس در انتقام سخت، دو نکته قابل تأمل است:

اول: حتمیت وقوع آن در آینده نزدیک بر اساس برنامه‌ریزی و به اندازه توان.

دوم: تلافی همه خساراتی که تا به امروز انجام شده.

در ادامه به مبانی و اصول انتقام سخت در آیات و روایات اشاره می‌شود.

مبانی انتقام سخت

در این بخش به مبانی انتقام سخت اشاره می‌شود. مهم‌ترین مبانی اسلامی در این زمینه شامل موارد زیر می‌باشد: ۱. وجود و یگانگی خدا، ۲. عدالت خداوند، ۳. معاد و هدفمندی خلقت، ۴. کرامت انسان، ۵. پیروزی و علو اسلام، ۶. حرمت جان انسان و ۷. مسئول بودن انسان.

وجود و یگانگی خدا

اساسی‌ترین مبنا در هر اندیشه الهی، وجود خداوند است. نمی‌توان وجود خدا را نادیده گرفت و بر اساس تفکرات مادی صرف حرکت کرد. این مبنا از دیدگاه قرآن به اندازه‌ای روشن است که در قرآن درباره وجود خداوند به صورت استفهام انکاری این مطلب بیان شده است. یعنی پرسیده می‌شود که آیا در وجود خداوند شکی هم وجود دارد؟ دلیل این تعجب و انکار را نیز در ادامه بیان می‌کند یعنی کسی که خالق آسمان‌ها و زمین است. همین وجود آسمان‌ها و زمین روشن‌ترین دلیل بر وجود خالق آن‌هاست.

قَالَتُ رُسُلُهُمْ أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ابراهیم، ۱۰)؛ پیامبران‌شان گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، شکی هست؟

پس از وجود خداوند، اساسی‌ترین مبنا در قرآن توحید است. توحید پایه اعتقادات و باورهای اسلامی و زیرساخت اصلی معارف اسلامی است. صفات و افعال الهی همه بر محور توحید قرار دارد و ستون اصلی اندیشه بسیاری از متفکران اسلامی نیز، توحید است. زیربنای اصلی منظومه فکری مقام معظم رهبری نیز مساله توحید است. به طور خاص در مساله دفاع و مقاومت، ایشان به اصل توحید تصریح کرده و می‌گوید:

«ما اگر چنانچه به توحید اعتقاد داریم، نمی‌توانیم زیر بار زور برویم، نمی‌توانیم زیر بار ظلم برویم، نمی‌توانیم در مقابل ظالم نایستیم، این طبیعت توحید است. اینکه جمهوری اسلامی

اعلام می‌کند که هر جا مظلومی هست و نصرتی لازم است، ما آنجا حاضریم، به خاطر این است؛ اینکه ما روی مسئله‌ی فلسطین این جور اصرار داریم، به خاطر این است. چون لازمه‌ی توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری می‌کند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد... ایستادن ما در کنار گروه‌های مقاومت، در منطقه‌ی غرب آسیا به همین دلیل است. حضور ما در سوریه، در مقابله و مواجهه‌ی با تروریست‌هایی که آمریکا و عوامل آمریکا در منطقه به وجود آورده بودند، به این دلیل است.» (خامنه‌ای، ۹۷/۱/۲۵).

در قرآن آیات فراوانی بر توحید و یگانگی خداوند دلالت دارد و اساساً یکی از اصلی‌ترین تعالیم انبیای الهی، نفی شرک یا همان اثبات توحید می‌باشد.^۱ بر اساس یگانگی خداوند است که ما می‌توانیم به بر یک طریقت استوار باشیم. زیرا در صورت تعدد خدایان (بر فرض محال) عمل کردن بر اساس دستورات هر یک از آن‌ها ممکن بود و این امر موجب تشتت در اصول و روش‌ها می‌شد. انتقام نیز مبتنی بر تعالیمی است که از جانب خدای واحد به بندگانش رسیده است.

۱. برای نمونه:

قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ (۱۹) الانعام

بگو: فقط معبود یگانه و یکتا اوست، و من از معبودهای باطلی که شریک او قرار می‌دهید، بیزارم.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (۶۴) آل عمران

بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است [و همه کتاب‌های آسمانی و پیامبران آن را ابلاغ کردند] که: جز خدای یگانه را نپرستیم، و چیزی را شریک او قرار ندهیم، و بعضی از ما بعضی را اربابانی به جای خدا نگیرد. پس اگر [از دعوت به این حقایق] روی گردانند [تو و پیروانت] بگوئید: گواه باشید که ما [در برابر خدا و فرمان‌ها و احکام او] تسلیم هستیم.

وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً (النساء، ۳۶) و خدا را پرستید، و چیزی را شریک او قرار ندهید،

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا عَظِيماً (۴۸) النساء

مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌آمرزد، و غیر آن را برای هر کس که بخواهد می‌آمرزد. و هر که به خدا شرک بیاورد، مسلماً گناه بزرگی را مرتکب شده است.

عدالت خداوند

از دیگر مبانی در اجرای انتقام سخت در قرآن، عدالت خداوند است. خداوند بر اساس صدق و عدالت عمل می‌کند.^۱ همچنین به فرستادگانش دستور می‌دهد تا بر اساس عدالت رفتار کنند.^۲ از این رو وقتی برخی از مردم در برابر دعوت انبیای الهی طغیان می‌کردند و به هشدار آن‌ها بی‌توجه بودند و در مواردی آن‌ها را مورد آزار و اذیت نیز قرار می‌دادند، خداوند آن‌ها را عذاب می‌فرمود و این عذاب، از روی ظلم نبوده است.^۳ این هلاکت و نابودی نتیجه عملکرد خود آن‌ها بوده و خداوند عادل است و هیچ ظلمی را به هیچ مخلوقی روا نمی‌دارد:

ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ اٰیْدِيكُمْ وَ اَنْتُمْ لَیْسَ بِظٰلِمٍ لِّلْعَبِیْدِ (۱۸۲) آل عمران

این [عذاب] به خاطر فسق و فجور و گناہانی است که خود پیش فرستادید، و گرنه خدا به بندگانش ستمکار نیست.

با توجه به این مبنا، یعنی عدالت خداوند، انتقامی که مبتنی بر اوامر الهی باید انجام شود. چنان که در بخش اصول به آن اشاره می‌شود. نیز باید بر اساس عدالت باشد.

۱. ۳. معاد و هدفمندی خلقت

یکی دیگر از مبانی در انتقام سخت، هدفمندی خلقت می‌باشد. خداوند این دنیا را بیهوده و بدون هدف نیافریده است و همین هدفمندی خلقت باعث می‌شود انسان در اعمال و رفتار خود

۱. وَ تَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ (۱۱۵) الانعام

و سخن پروردگارت از روی راستی و عدل کامل شد، سخنان او را تغییر دهنده‌ای نیست؛ و او شنوا و داناست.

۲. فَلِذٰلِكَ فَاذَعُ وَ اسْتَقَمْتُ كَمَا اَمَرْتُ وَ لَا تَتَّبِعْ اَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ اَمَنْتُ بِمَا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتَابٍ وَ اَمِرْتُ لِاعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللّٰهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا اَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ اَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللّٰهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ اِلَيْهِ الْمَصِیْرُ (۱۵) الشوری

پس آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آوردم، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و شماست؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ حجت و برهانی نیست؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می‌کند، و بازگشت به سوی اوست.

۳. وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِیُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ اَهْلِهَا مُضِلُّوْنَ (۱۱۷) هود

و پروردگارت بر آن نبوده است که شهرهایی را در حالی که مردمش درست‌کارند، ظالمانه هلاک کند.

مواظب باشد که بر خلاف این هدف حرکت نکند. کسانی که به این امر توجه دارند اهل فکر خواهند بود و با تفکر در خلقت آسمان ها و زمین عدم بطلان خلقت را می فهمند و برای رسیدن به آن تلاش می کنند و از عذاب الهی دوری می کنند.^۱ در قرآن مهم ترین هدف خلقت انسان و حتی جنیان حرکت در مسیر عبودیت معرفی شده است.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (۵۶) الذاریات

و جن و انس را جز برای اینکه مرا بپرستند نیافریدیم

برخی از انسان ها در برابر این هدف، ایستادگی و مخالفت می کنند و حتی با آن به دشمنی بر می خیزند و خدا و نشانه های او را انکار می کنند. البته خداوند نیز در برابر این افراد، قوانین خود را دارد. در گام اول به پیامبر ص هشدار می دهد که آن ها دشمن هستند و از آن ها بر حذر باشد^۲ و سپس آن ها را به دلیل دشمنی هایشان دچار عذاب در دنیا و آخرت می گرداند.^۳

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءٌ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ (۲۸) فصلت

۱. الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُودًا وَعَلَىٰ جُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۹۱) آل عمران

آنان که همواره خدا را ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می کنند، و پیوسته در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند، [و از عمق قلب همراه با زبان می گویند: پروردگارا! این [جهان با عظمت] را بیهوده نیافریدی، تواز هر عیب و نقصی منزّه و پاک؛ پس ما را از عذاب آتش نگاهدار.

۲. وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنْهُمْ خَشْبٌ مُّسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ قَاتِلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۴) المنافقون

چون آنان را ببینی جسم و ظاهرشان [از آراستگی و وقار] تو را به شگفت آورد، و اگر سخن گویند [به علت شیرینی و جذابیت کلام] به سخنانشان گوش فرا می دهی [اما از پوچی باطن، سبک مغزی و دورویی] گویی چوب های خشکی هستند که به دیواری تکیه دارند [و در حقیقت اجساد بی روح اند که در هیچ برنامه ای اطمینانی به آنان نیست، از شدت بزدلی] هر فریادی را به زبان خود می پندارند. اینان دشمن واقعی اند؛ از آنان بپرهیز؛ خدا آنان را بکشد؛ چگونه [با دیدن این همه دلایل روشن از حق به باطل] منحرف می شوند.

۳. وَ يَوْمَ يُخَسِّرُ اللَّهُ إِلَيْهِ النَّارَ فَهُمْ يُوزَعُونَ (۱۹) فصلت

و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس آنان را از حرکت باز می دارند [تا گروه های دیگر به آنان ملحق شوند].

این است کیفر دشمنان خدا که آتش است برای آنان، در آتش سرای جاودانه است، کیفری است [ویژه و سخت]، برای اینکه همواره آیات ما را انکار می‌کردند.

پس طبق این مبنا، خداوند در دنیا سنت‌هایی قرار داده است که یکی از آن‌ها انتقام گرفتن از اهل ظلم و ستم است. اگر خلقت هدفمند نبود شاید می‌شد این سوال را مطرح کرد که چرا باید انتقام گرفت؟ ولی با این مبنا، انتقام نیز در مسیر اهداف خلقت قرار می‌گیرد و یکی از اموری است که باید انجام شود.

علو و پیروزی اسلام

یکی دیگر از مبانی انتقام در اسلام این است که اسلام همواره بالاتر از هر مکتب و اندیشه دیگری است و مسلمانان باید در این مسیر گام بردارند. قال رسول الله (ص): «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۴، ۳۳۵) اسلام علو پیدا می‌کند و علو دارد و هرگز چیزی بر آن علو پیدا نمی‌کند.

همچنین اساس ارسال رسل این بوده است که دین خداوند بر همه ادیان باطل پیروز گرداند. از این رو، خداوند قواعد و قوانینی را در جهت تحقق این امر، قرار داده است. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (التوبه، ۳۳)؛ اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

با توجه بالا بودن اسلام و این که هرگز بر او استعلایی نیست، می‌توان به بایسته‌ها و اصولی رسید که از جمله آن‌ها در زمینه انتقام است. وقتی دشمنان به کیان مسلمانان از جهات مختلف هجوم بیاورند، وظیفه مسلمانان حفظ و حراست از اسلام و مسلمین و سرزمین‌های اسلامی است. اگر دشمن با تعدی و تجاوز، افرادی از مسلمانان را کشت و آن‌ها انتقام نگرفتند به معنی برتری یافتن دشمن بر مسلمانان است؛ در حالیکه که خداوند اراده کرده است اسلام برتر باشد و مغلوب نشود؛ در نتیجه برای برتری اسلام باید انتقام گرفت و گرنه لازمه اش غلبه دشمن است، پس برای تحقق خواسته خداوند و جوب انتقام به دست می‌آید.

کرامت انسان

یکی دیگر از مبانی که در انتقام سخت باید مد نظر قرار گیرد این است که انسان دارای کرامت است زیرا خداوند این کرامت را به او عطا کرده است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (الاسراء، ۷۰)؛ به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌هایی که در اختیارشان گذاشتیم] سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم.

این مبنا از این جهت اهمیت می‌یابد که شاید این تصور پیش بیاید که آیا انتقام با کرامت انسان منافات ندارد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت:

افرادی که کرامت خود را از بین ببرند دیگر دارای کرامت نخواهند بود. انسان‌هایی که اعمال ناشایست انجام می‌دهند در واقع کرامتی را که خداوند به آن‌ها عطا کرده است ضایع می‌کنند و خداوند نیز کرامت را از آن‌ها بر می‌دارد و کسی را که خداوند از مرتبه کرامت ساقط کند هیچ‌کسی نمی‌تواند به او کرامت را بازگرداند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (الحج، ۱۸)؛ آیا ندانسته‌ای که هر که در آسمان‌ها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند؟ و بر بسیاری [که از سجده امتناع دارند] عذاب، لازم و مقدر شده است. و کسی را که خدا خوار کند، گرامی دارنده‌ای برای او نیست؛ به یقین خدا هر چه را بخواهد انجام می‌دهد.

حرمت جان انسان

یکی دیگر از مبانی انتقام سخت در تعالیم اسلامی این است که جان انسان‌ها حرمت دارد و هیچ‌کسی حق ندارد بدون دلیل جان کسی را دچار مخاطره کند. لذا در قرآن از کشتن فرزند به دلیل ترس از تنگدستی و همچنین از کشتن انسانی که خداوند برای او حرمت قائل است، نهی شده است.

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَلا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلا تَقْرُبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَما بَطَّنَ وَلا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ

اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (الانعام، ۱۵۱)؛ بگو: بیابید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم: اینکه چیزی را شریک او قرار مدهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از [ترس] تنگدستی نکشید، ما شما و آنان را روزی می‌دهیم، و به کارهای زشت چه آشکار و چه پنهانش نزدیک نشوید، و انسانی را که خدا محترم شمرده جز به حق نکشید؛ خدا این [گونه] به شما سفارش کرده تا بیندیشید.

یکی از صفات بندگان خداوند این است که برای جان انسان‌ها حرمت قائل هستند و از روی ظلم و عدوان جان هیچ انسان (و یا حتی حیوانی) را نمی‌گیرند.^۱ اگرچه گرفتن جان انسان ممنوع است به دلیل حرمتی که خداوند برای او قائل شده است ولی اگر کسی از روی ظلم جان شخص دیگری را بگیرد، در اینجا بحث قصاص و (یا به عبارتی انتقام) پیش می‌آید که در این موارد است که کشتن انسان، حق خواهد بود چنان که در آیات قرآن به این امر تصریح شده است.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (الإسراء، ۳۳)؛ و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جانش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است.

بنابر این یکی دیگر از مبانی انتقام سخت، حرمت جان انسان‌های بی‌گناهی است که از طرف جبهه استکبار و به خصوص آمریکا، جانشان را از دست داده‌اند و کشورهای بی‌گناهی که مورد تعدی و تجاوز مستکبران قرار گرفته‌اند، بر اساس حرمت جان شهروندانشان حق دارند از جنایتکاران انتقام بگیرند.

مسئول بودن انسان

یکی از مبانی قابل توجه در انتقام، مسئول بودن انسان نسبت به همه اعمال و رفتار خود می‌باشد. مسئول بودن یعنی این که انسان باید نسبت به انتخاب‌های خود پاسخ‌گو باشد و

۱. وَ الَّذِينَ لَا يُدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَا يَزْنُونَ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا (الفرقان، ۶۸)؛ و آنان که معبود دیگری را با خدا نمی‌پرستند، و کسی را که خدا خودش را حرام کرده است، جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند؛ و کسی که این اعمال را مرتکب شود به کیفر سختی برسد.

نمی تواند پیامدهای کاری را که با اختیار خود انجام داده است را بر عهده دیگران بگذارد. اگر چه برخی در دنیا از روی ظلم و عدوان نمی خواهند پاسخگوی اعمالشان باشند ولی در روز قیامت قطعاً در دادگاه عدل الهی برای پاسخگویی حاضر می شوند.

وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ (الصافات، ۲۴)؛ آنان را نگه دارید که حتماً مورد بازپرسی قرار می گیرند. مسئولیت و پاسخگو بودن نسبت به اعمال و رفتار شامل همه انسان ها می شود. هم پیامبران الهی باید پاسخگوی عملکرد خود باشند و هم مردمانی که پیامبران آن ها را به دین الهی دعوت می کردند. هیچ شخص یا گروهی از انسان ها از دایره مسئولیت خارج نخواهد بود. فَلَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَ لَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ (الأعراف، ۶)؛ [روز قیامت] از کسانی که پیامبران به سویشان فرستاده شده [درباره پذیرفتن و نپذیرفتن رسالت پیامبران]، و از شخص پیامبران [درباره تبلیغ دین] به طور یقین پرسش خواهیم کرد

نکته دیگری که در زمینه مسئول بودن باید مورد توجه قرار گیرد این است که هر شخص یا گروهی نسبت به اعمال و انتخاب های خود بازخواست می شود و هیچ شخص یا گروه دیگری نسبت به آن ها پاسخ گو نخواهد بود.

قُلْ لَا تُسْئَلُونَ عَمَّا أَجْرْمْنَا وَ لَا نَسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ (سبأ، ۲۵)؛ بگو: شما از گناه ما بازخواست نخواهید شد، و ما هم از آنچه شما انجام می دهید، بازخواست نخواهیم شد.

بنابر این، انسان ها نسبت به اعمال خود باید مسئول باشند یعنی پیامدهای اعمالشان را بر عهده بگیرند. برخی از پیامدهای اعمال ناشایست در دنیا محقق می شود. اساساً یکی از کارکردهای قوانین و حکومت ها این است که اگر کسی مرتکب عمل خلافی شد او را بازخواست کنند و اگر مجرم بود او را به سزای عملش برسانند تا زندگی سایر انسان ها دچار مخاطره نشود. خداوند نیز در مواردی این قاعده را نسبت به خلافکاران انجام داده است و دشمنان را مجازات کرده و از آن ها انتقام گرفته است.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَ كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ (الروم، ۴۷)؛ و به راستی پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم که برای آنان دلایل روشن آوردند، سپس ما از آنان که مرتکب گناه شدند، انتقام گرفتیم [و مؤمنان را یاری دادیم]؛ و یاری مؤمنان حقی بر عهده ماست.

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ (السجده، ۲۲)؛ ستمکارتر از کسی که به وسیله آیات پروردگارش تذکر داده شود، سپس از آنها روی برگرداند، کیست؟ بی تردید ما از مجرمان انتقام می‌گیریم.

بنابر این مسئول بودن انسان یکی از مبانی مهم در بحث انتقام سخت می‌باشد. در صورتی که مومنان در شرایط ضعف باشند و امکان انتقام را نداشته باشند وظیفه چیز دیگری است ولی در صورتی که در موضع قوت باشند انتقام سخت امری اجتناب ناپذیر است. شاید این سخن مقام معظم رهبری که فرمودند «دوران بزن و در رو تمام شده است.» نیز تأییدی بر این مطلب باشد.

اصول

با توجه به مبانی انتقام سخت، اصولی در این زمینه وجود دارد. این اصول در واقع بایدها و نبایدهای کلی است که از مبانی استخراج می‌شوند. در ادامه به مهم‌ترین اصول در بحث انتقام سخت از دیدگاه قرآن پرداخته می‌شود. این اصول عبارتند از: ۱. اصل انتقام گرفتن از دشمن، ۲. اصل ظلم ستیزی، ۳. اصل عدالت در انتقام، ۴. اصل مقابله به مثل و ۵. اصل رعایت کرامت انسانی.

اصل انتقام گرفتن از دشمن

اولین اصلی که می‌توان در زمینه انتقام مطرح کرد، بایستگی خود انتقام گرفتن است. به این معنا که در برابر دشمن و دشمنی عامدانه او که به دنبال نابودی اساس انسان است و می‌خواهد به هر طریقی با او دشمنی کند، حتماً باید انتقام گرفتن از دشمن در دستور کار باشد تا هم جنبه بازدارندگی داشته باشد و هم بتواند دشمن را به سزای اعمالش برساند.

در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که به انتقام تصریح کرده است. این تصریح‌گاهی تنها در مقام بیان است. به عنوان نمونه در مستندات بسیاری، از خداوند به عنوان «منتقم» یا «صاحب انتقام» یاد شده است. آیات دسته اول بسیار زیاد است به عنوان نمونه به چند مورد اشاره شده و به بقیه موارد ارجاع می‌شود.

قرآن کریم می‌فرماید: **مَنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْقُرْآنَ إِنَّا الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ**؛ پیش از آن، برای هدایت مردم فرستاد؛ و (نیز) کتابی که حق را از باطل مشخص می‌سازد، نازل کرد؛ کسانی که به آیات خدا کافر شدند، کیفر شدیدی دارند؛ و خداوند (برای کیفر بدکاران و کافران لجوج)، توانا و صاحب انتقام است. (آل عمران: ۴)

در این آیه به صراحت از خداوند به عنوان صاحب انتقام یاد کرده است. طرف و مخاطب این انتقام الهی، مشرکان هستند. علامه طباطبایی در تفسیر آیه، وضعیت مسلمانان را در هنگام نزول این آیه، یک وضعیت جنگی با مشرکان دانسته است. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳، ۶). بر مبنای این تفسیر می‌تواند مدعی شد این آیه دلالت دارد که انتقام در یک وضعیت جنگی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر در وضعیت جنگی امکان انجام انتقام فراهم است. چرا که در وضعیت جنگی خیلی از امور متأثر از جنگ و وضعیت بحرانی ناشی از آن برنامه‌ریزی می‌شود و هم اذهان عمومی انتظار آن را دارد که از دشمن متجاوز انتقام گرفته شود.

در آیه دیگری نیز بر این صفت الهی تاکید کرده و می‌فرماید: **«فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفاً وَ وَعْدِهِ رُسُلُهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ**؛ پس گمان مبر که خدا وعده‌ای را که به پیامبرانش داده، تخلف کند! چرا که خداوند قادر و انتقام‌گیرنده است. (ابراهیم: ۴۷)

این آیه نیز صراحت دارد که خداوند صاحب انتقام است و از مشرکان و کافران انتقام خواهد گرفت. آلوسی معتقد است این آیه بر انتقام فعلی الهی دلالت دارد. «و المراد بالانتقام ما أشير إليه بالفعل و عبر عنه بالمكر»، (آلوسی، ۱۴۱۵: ۷، ۲۳۸). نکته مهمی که در این آیه و در آیات دیگر قرآن وجود دارد آن است که انتقام الهی با نصرت الهی همراه است. گویا انتقام الهی ملازم با نصرت الهی است.

الف) فعلیت انتقام در قرآن

آیات متعددی در قرآن بر فعلیت و قطعیت انتقام الهی دلالت دارد. در این آیات، بیان شده است که خداوند از افراد، اقوام و یا گروه‌هایی انتقام گرفته است و یا حق انتقام را برای مومنان قرار داده است. این آیات تصریح می‌کند که انتقام الهی در تاریخ فعلیت یافته است. ممکن است انتقام الهی با ابزار و از طریق طبیعت انجام شود و یا ممکن است به دست مومنان تحقق پیدا کند. بنابراین هنگامی که از فعلیت انتقام الهی سخن گفته می‌شود لزوماً و صرفاً بر انتقام از طریق

بلاای طبیعی مانند تجلی خشم الهی از طریق سیل و طوفان و زلزله و مانند آن دلالت ندارد بلکه پیروزی مومنان بر کافران نیز خود نوعی انتقام الهی محسوب می‌شود.

در آیات متعددی از قرآن کریم این معنا را مورد توجه و تاکید قرار داده است و می‌فرماید: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاذْتَمَنَّا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»؛ و پیش از تو پیامبرانی را بسوی قومشان فرستادیم؛ آنها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندر زها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما». (روم، ۴۷).

در این آیه، انتقام از کافران، معادل «نصرت مومنان» شمرده شده است. فخرالدین رازی در تفسیر این آیه معتقد است این آیه نوعی بشارت به مومنان است که بدانند خداوند آنان را تنها نمی‌گذارد و همراه آنان است. او معتقد است انتقام نه تنها ظلم نیست بلکه عین عدل و حق است زیرا کسانی که مورد انتقام واقع می‌شوند وجودشان خبیث است و نبودن آنان از بودن آنها بهتر است. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۵، ۱۰۸).

این آیه صراحت دارد که گاهی نصرت الهی در انتقام از کافران محقق می‌شود. بنابراین نباید نگرش منفی نسبت به انتقام وجود داشته باشد. انتقام از افعال الهی است که در طول تاریخ مانند دیگر سنت‌های الهی جریان داشته و دارد. این فعل الهی و این سنت الهی مانند دیگر سنت‌های الهی ظاهر و باطنی دارد. برخی سنت‌های الهی ممکن است در ظاهر خوشایند ما نباشد اما در ساختار کلی جهان هستی باعث تکامل و ارتقای انسان و کلیت جهان هستی است. در بیان نسبت توحید و انتقام سخت باید به این نکات توجه کرد. انتقام یکی از صفات و افعال الهی است که در قرآن و روایات بصورت مکرر مورد تایید و تاکید قرار گرفته است. تصریح قرآن کریم بر صفت انتقام الهی و نیز گزارش قرآن از انتقام الهی در تاریخ گذشته نشان می‌دهد که انتقام نیز در پرتو اصل توحید باید مورد توجه قرار گیرد. همانگونه که تمامی امور تکوینی و تشریحی در عالم هستی ذیل اصل توحید قابل توضیح است، انتقام نیز از این قاعده عمومی

مستثنی نیست. نکته دوم آنکه انتقام اگر فعل مومنان قرار بگیرد، باز هم در سایه توحید و ذیل این اصل قابل قبول است.^۱

(ب) فعلیت انتقام در روایات

روایات متعددی بر فعلیت انتقام در دنیا دلالت دارد. به عنوان نمونه روایاتی که از امام مهدی (ع) به عنوان منتقم نام برده است. در روایتی که پیامبر (ص) درباره مشاهدات خود درباره شب معراج بیان کرده است آمده: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أُوْحِيَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ... اِرْفَعْ رَأْسَكَ فَرَفَعْتُ رَأْسِي وَإِذَا أَنَا بِأَنْوَارِ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِي وَسْطِهِمْ كَأَنَّهُ كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ - قُلْتُ يَا رَبِّ وَ مَنْ هَؤُلَاءِ قَالَ هَؤُلَاءِ الْأَيْمَةُ وَ هَذَا الْقَائِمُ الَّذِي يُحِلُّ حَلَالِي وَ يُحْزِمُ حَزَامِي وَ بِهِ أُنْتَقِمُ مِنَ أَعْدَائِي وَ هُوَ رَاحَةٌ لِأَوْلِيَائِي وَ هُوَ الَّذِي يَشْفِي قُلُوبَ شِيعَتِكَ مِنَ الظَّالِمِينَ وَ الْجَاحِدِينَ وَ الْكَافِرِينَ؛ مرحوم شیخ صدوق روایت کرده است با ذکر سند از پیامبر اکرم (ص) که در شب معراج خداوند به من فرمود بالا را نگاه کن هنگامی که نگاه کردم نور سیزده معصوم (ع) را دیدم در حالیکه نور حضرت مهدی (ع) بین همه آن انوار مانند ستاره ای پر فروغ می درخشید و از آنها متمایز بود، سوال کردم خدایا اینها چه کسانی هستند؟ خداوند فرمود اینها اهل بیت (ع) تو هستند و این که در وسط آنهاست مهد (عج) است که (پس از ظهورش) حلال من را حلال و حرام من را حرام اعلام می کند و به واسطه او از دشمنانم انتقام می گیرم و مایه راحتی دوستان من است و باعث آرامش دل شیعیان با انتقام ظالمان و منکران دین می شود. (شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ۱، ۲۵۲).

نکاتی در این روایت وجود دارد که مورد تایید روایات دیگری در همین مورد است، از جمله:

۱ آیات بسیاری در قرآن کریم بر مساله انتقام دلالت صریح دارد که برخی از آن به عنوان نمونه ذکر می شود: وَ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ (زمر: ۳۷)؛ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَ إِنَّهُمَا لِيَأْمَامٌ مُبِينٍ (حجر: ۷۹)؛ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (زخرف: ۲۵)؛ فَلَمَّا أَسْفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ (زخرف: ۵۵).

۱. این حدیث با تشکیل خانواده احادیث معنا می شود و مشخص می شود که یکی از کارهای حضرت پس از ظهور مساله انتقام از دشمنان اهل بیت است که در احادیث شیعه از آن زمان به زمان رجعت تعبیر می شود به عنوان نمونه پیامبرص به سلمان فارسی فرمودند: **وَاللَّهِ يَا سَلْمَانَ تُمْ لِيخْضَرَنَّ إِبْلِيسُ وَ جُنُودُهُ وَ كُلُّ مَنْ مَحَصَّ الْكُفْرَ مَحْضًا حَتَّى يُؤْخَذَ بِالْقِصَاصِ وَ الْأَوْتَارِ وَ لَا يُطْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا وَ نَحْنُ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ- وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَيْمَةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ. وَ نُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ وَ جُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ** (مصباح الشریعة، ۶۶) به خدا قسم ابلیس و پیروانش و هر کسی که کافر محض بوده است نزد حضرت مهدی ع حاضر می شود تا اینکه مورد قصاص و گردن زدن واقع شود و خدا به احدی ظلم نمی کند و تاویل آیه پنجم سوره قصص درباره حکومت ما اهل بیت است که به فرموده علامه مجلسی احادیث درباره رجعت اهل بیت ع متواتر است

۲. یکی از امور مسلم در زمان ظهور حضرت مهدی مساله انتقام از ظالمان است شاید کسی بگوید چرا خداوند این انتقام را رقم می زند در پاسخ می گوئیم که آنها در این دنیا ظلم کردند و باید طعم خفت و خواری در این دنیا را بچشند و حواله دادن همه عذاب ها به آخرت چیزی است که خداوند اراده نفرموده است و از طرفی این انتقام مایه شفای قلب دردمند شیعیان مظلوم می باشد که افراد برای مطالعه بیشتر این دسته از احادیث انتقام می توانند به کتاب الايقاط من الهجه بالبرهان علی الرجعه نوشته شیخ حر عاملی مراجعه کنند.

۳. در هیچ کجای اسلام نگفته اند دست روی دست بگذارید تا امام زمان بیاید و از ظالمان انتقام بگیرد بلکه منتظر واقعی به اندازه ای که می تواند باید در مقابله با دشمنان دین و انتقام از آنها کوشا باشد وگرنه لازمه آن تن دادن به ظلم و پذیرش ظلم است.

روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که بر انتقام دلالت دارد. برخی از این روایات به شرح ذیل است.

امیر مومنان می فرماید: **«رُدُّوا الْحَجَرَ مِنْ حَيْثُ جَاءَ فَإِنَّ الشَّرَّ لَا يَدْفَعُهُ إِلَّا الشَّرُّ»**. (نهج البلاغه، ۵۳۰) یعنی سنگ را از همان جایی که آمده به همان جا پرت کنید چرا که بدی را جز بدی دفع نمی کند. از اینکه حضرت می فرماید اگر کسی سنگی انداخت شما هم پاسخش را دهید. در توضیح این روایت باید گفت با وجود احادیث مکرر درباره بخشش و گذشت، منظور انتقام از

دوست نیست و مساله انتقام از دشمن به وضوح قابل برداشت است؛ بنابراین اولاً فعلاً امر دلالت بر مطلوبیت انتقام دارد و ثانیاً حضرت به علت انتقام اشاره می کند که شر و بدی دشمن فقط با پاسخ به آن ممکن است. مولی صالح مازندرانی در شرح این عبارت حضرت می گوید: امام (علیه السلام) به کسی که در معرض ضرب و جرح و قتل دیگری قرار می گیرد، در صورتی که بداند از راه دیگری نمی تواند او را دفع کند، اجازه داده که به مثل و اندازه او، حملات او را دفع کند، و این کار به حکم عقل و نقل، جایز و نیکو است...» (مازندرانی، ۱۳۸۲: شرح کافی، ۱، ۳۰۰)

در احادیث فراوانی حضرت مهدی (ع) به عنوان منتقم معرفی شده است و این ویژگی نزد اهل بیت (ع) حایز اهمیت بوده به طوری که پیامبر (ص) در واقعه غدیر در کنار معرفی حضرت علی (ع) حضرت مهدی (ع) را معرفی می کند و یکی از ویژگی های او را مساله انتقام معرفی می کند. ایشان حدود بیست ویژگی را برای حضرت مهدی می شمارد که یکی از آنها این جمله است. «أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ». (احتجاج طبرسی جلد ۱ ص ۶۴). ای مردم آگاه باشید که مهوی انتقام گیرنده از ظالمان است. همچنین امام عسکری (ع) درباره معرفی حضرت مهدی (ع) بعد از ظهور فرمودند که ایشان می فرماید: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ». (مجلسی، بحار الأنوار ۵۲، ۲۴). همانا من ذخیره خدا روی زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم.

نحوه استدلال به این روایت به این صورت است که اگر پیامبر (ص) حضرت مهدی (ع) را به عنوان منتقم معرفی می کند یعنی در واقع دارد کد می دهد که شما مومنان نیز باید اخلاق مهدوی داشته باشید و به سیره او عمل کنید؛ همانگونه که او ظلم ستیز است شما نیز این روش را باید در زندگی خود بکار گیرید نه اینکه شما زیر بار ظلم بروید ولی مقتدای شما حضرت مهدی (ع) عجل ظلم ستز و منتقم است.

اصل ظلم ستیزی (استکبار ستیزی)

یکی دیگر از اصول در انتقام سخت، اصل ظلم ستیزی است. یعنی مبتنی بر مبانی انتقام، باید در مقام مقابله با ظلم، از حربه انتقام نیز بهره جست. از جمله احادیثی که در مساله مقابله و انتقام می تواند به عنوان دلیل ذکر شود نامه ای در نهج البلاغه است که امیر مومنان در وصیتش به حسنین (ع) می فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ حَضَمًا وَ لِمُظْلَمٍ عَوْنًا» (نهج البلاغه، ۴۲۱) حضرت علی (ع) به صراحت دستور می دهد که با ظالم مقابله و دشمنی کنید پس نقطه مقابل

زیر بار ظلم رفتن، مقاومت و انتقام است. مقام معظم رهبری با اشاره به ضرورت مقابله با ظلم در تبیین این کلام امام علی (ع) می‌فرماید:

«مَلَّتْ بَحْرِينَ مَلَّتْ مَظْلُومِي اسْت، مَلَّتْ فِلَسْطِينَ دِجَارِ مَظْلُومِيَّتِ مَزْمَنِ اسْت وَ سَالِهَائِي مَتْمَادِي اسْت اَيْنِ مَلَّتْ زِيْرَ فِشَارِ اسْت. مَا هَرِ مَقْدَارِي كِهْ بَتَوَانِيْمِ اَزْ مَظْلُومِ حِمَايَتِ مِيكْنِيْمِ وَ هَرِ مَقْدَارِي كِهْ تَوَانِيِي هَائِي مَا وَ وَسَعِ مَا بَاشِدْ وَظِيْفَهِي مَا اسْت؛ اِسْلَامِ بِهْ مَا كَفْتَهْ اسْت كِهْ «كُنْ لِلْظَالِمِ حَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»- اَيْنِ سَفَارِشِ امِيرِ الْمُؤْمِنِيْنَ اسْت - مَا نَمِيْگُوِيْمِ «أَنْصُرْ أَخَاكَ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا» - اَيْنِ شِعَارِ جَاهِلِي اسْت؛ مِيگَفْتَنْدِ اِگَرِ بَرَادَرْتِ ظَالِمِ هَمِ هَسْتِ يَ اِمْلُومِ اسْت، بَايْدِ اَزْ اَوْ دِفَاعِ كُنِي وَ حِمَايَتِ كُنِي - قُرْآنِ اَيْنِ رَا نَمِيْگُوِيْدِ؛ مَعْرِفَتِ اِسْلَامِي اَيْنِ رَا مَنَعِ مِيكَنْدِ. نَخِيْر؛ ظَالِمِ هَرِ كَسِي بُوْدِ بَايْدِ بَا اَوْ مَقَابَلَهْ كَرْدِ وَ جَلْوِي ظَلْمِ اَوْ رَا گِرْفَت؛ مَظْلُومِ هَرِ كَسِي هَسْتِ بَايْدِ اَزْ اَوْ حِمَايَتِ كَرْد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۲/۲۶).

اصل عدالت در انتقام سخت

با توجه به این که خداوند عادل است و بر بندگان ظلم نمی‌کند، یکی دیگر از اصول انتقام سخت، رعایت عدالت در انتقام است. عدالت یکی از اصول مهم مذهب شیعه و مورد قبول فرقه‌های اسلامی است.

عدالت در لغت به معنای «مستقیم بودن» و «میل هوا و هوس نکردن» است. (ابن منظور، ۱۱، ۴۳۰). در اصطلاح، عبدالقاهر جرجانی آن را «اجتناب از افراط و تفریط»، تعریف کرده است. «العدل عبارة عن الامر المتوسط بين طرفي الافراط والتفریط». (جرجانی، ۱۴۱۲: ۱۳). با توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی عدل، باید گفت عدالت در حقیقت به نوعی رفتار تحت کنترل و خالی از هر گونه جانبداری و موضع‌گیری احساسی و عاطفی است. عمل و رفتار عادلانه یعنی آنچه در قالب اصول و ضوابط مشخص خود انجام می‌شود و از هر گونه تجاوز به حقوق دیگران ممانعت می‌شود.

قرآن کریم با توجه به شناخت اساسی خداوند نسبت به بندگان و گرایش‌های رفتاری و گفتاری آنان در چنین مواقعی، دستور العمل ویژه‌ای را مشخص کرده است که در دوره کنونی که شعار حقوق بشر همه اکناف و اطراف عالم را پر کرده است، بسیار درخشان است. قرآن می‌فرماید:

«بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا

هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! همواره برای خدا قیام کنید، و از روی عدالت، گواهی دهید! دشمنی با جمعیتی، شما را به گناه و ترك عدالت نکشاند! عدالت کنید، که به پرهیزگاری نزدیکتر است! و از (معصیت) خدا بپرهیزید، که از آنچه انجام می‌دهید، با خبر است!»

این آیه صراحتاً تأکید می‌کند که دشمنی با قوم و یا یک جمعیت نباید باعث رفتارهای افراطی و خلاف دین و عدالت شود. نویسندگان تفسیر نمونه ذیل این آیه، تأکید کرده‌اند که اهمیت عدالت باعث شده تا این آیه بصورت مکرر بر رعایت آن تأکید کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱، ۴۹۷). مهم‌ترین نکته‌ای که در این آیه وجود دارد و آن را به بحث انتقام سخت مرتبط می‌کند، مساله دشمنی با کسانی است که قرآن خواهان عدالت درباره آنان است.

حتی در زمینه قصاص که خداوند صراحتاً این حق را به ولی دم داده است که جان قاتل را بگیرد (و یا در موارد جزئی تر مثل قطع عضو و ... به همان شکل عمل کند) مسأله رعایت عدالت در قصاص را نیز مطرح کرده است.

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيَّهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (الإسراء، ۳۳)؛ و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جانش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده‌ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است.

رهبر معظم انقلاب بر رعایت عدالت نسبت به دشمنان تأکید کرده و می‌فرماید:

«یک عده‌ای دشمنی میکنند، یک عده‌ای خبثت به خرج میدهند، یک عده ای از خبثت‌کنندگان پشتیبانی میکنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بیگناهی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال میشوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر میدارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از اینکه یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹)

در جمع‌بندی اصل عدالت در انتقام سخت باید گفت عدالت در دو وجه الهی و انسانی در مساله انتقام سخت دخیل است. از جنبه الهی، عدالت از صفات الهی است و مومنان که اعمال

و افعال آنان منسوب به خداوند است و مدعی اجرای فرمان الهی هستند باید در مسیر عدالت الهی رفتار نمایند در غیر این صورت عمل آنان خلاف عدالت خداوند است و مجازات الهی را در پی خواهد داشت. در جنبه انسانی عدالت، لازم است به پیامدهای بی‌عدالتی در رفتارهای خویش توجه کنیم. جوامع انسانی بدون عدالت و با رفتارهای وحشیانه، به مکانی ناامن برای انسان بدل خواهد شد. اگر عدالت در رفتار انسانی مخصوصاً مساله انتقام، که بصورت ذاتی موضوع تنش و درگیری است، به فراموشی سپرده شود، جامعه در کلیت خویش به سوی نوعی بربریت و وحشت حرکت خواهد کرد. این پیامدهای سنگین بی‌عدالتی را می‌توان با رفتارهای عادلانه کاهش داد. از این رو رعایت عدالت در انتقام شرط اصلی و اساسی است.

اصل مقابله به مثل

یکی از مهم‌ترین مسائلی که درباره انتقام سخت مطرح است، مشروعیت آن است. در اصل توحید به آیاتی از قرآن کریم اشاره شد که بر صفت انتقام الهی و نیز انتقام به مثابه فعل الهی تصریح کرده بود. از این رو در اینکه انتقام به عنوان صفت و فعل الهی در سنت الهی جریان دارد سخنی و اشکالی نیست؛ زیرا آیات و روایات بر این مساله تاکید و تصریح کرده است. اما درباره انتقام به عنوان یک فعل انسانی، باید دید آیا دلایل قرآنی و روایی مشروعیت و وجوب انتقام را تأیید و تجویز می‌کند یا خیر؟

ممکن است ادعا شود دلالت آیات و روایات بر انتقام الهی مجوز انجام انتقام برای مومنان نیز هست. این احتمال دور از ذهن نیست و گرایش این پژوهش نیز به این نظریه است. اما برخی معتقدند، صفت و فعل الهی و حتی فعل معصوم، مجوز انجام عمل برای مومنان نیست و برای تجویز برخی از اعمال، نص مستقل لازم است. استدلال این گروه آن است که قرآن کریم کتابی است که حاوی کلام خداست و کلام خدا و فعل خداوند زمانی برای مسلمانان ارزش دارد که حجت باشد و قابلیت تاسی را داشته باشد؛ پس وقتی خداوند منتقم از ظالمان است انسان‌ها نیز می‌توانند این فعل خداوند را حجت قرار داده و تاسی کنند اما نکته مهم اینجاست که از تاسی لزوم و وجوب انتقام فهمیده نمی‌شود و نهایتاً مطلوبیت فهمیده می‌شود. همانگونه که درباره تاسی از معصوم نیز چنین است.

به عنوان نمونه آیه الله خوئی وقتی به مناسبت بحث تاسی را مطرح می کنند، این اشکال را مطرح کرده که به صرف صدور فعل از معصوم، وجه وجوب استفاده نمی شود: «فان الفعل مجمل لا لسان له. و أما التاسی فالإشکال علیه ظاهر كما مرّ مراراً، لعدم إحراز صدور الفعل منه علی وجه الوجوب کي یشمله دلیل التأسی، فإنّ الفعل مجمل لا لسان له». (خوئی، ۱۴۱۸: ۱۵، ۹۲) این کلام محقق خوبی تصریح دارد که تاسی به فعل خداوند به صرف اینکه در کتاب و سنت آمده است، ممکن نیست و نمی توان با استناد به این آیات و روایات، حکم وجوب را صادر نمود.

پاسخ این اشکال چیست؟ در نگاه اول این اشکال درست است. نمی توان با استناد به اینکه امری در کتاب و سنت بیان شده است، حکم به وجوب آن داد. اما در اینجا نکاتی قابل طرح است. اول آنکه اولاً باید به مسایلی توجه کرد. اول هدف این پژوهش چیست؟ تجویز و ایجاب مطلق انتقام فعلی؟ و ثانیاً آیا برای انجام انتقام سخت در برابر دشمنان، صرفاً به آیات انتقام و روایات آن استناد می شود یا دلایل و مستندات دیگری نیز وجود دارد؟

در پاسخ به این پرسش ها باید گفت موضوع این تحقیق «انتقام سخت» است. این موضوع در برابر دشمنان اسلام و مسلمین که برخی از آنان در حال جنگ با اسلام و مسلمین هستند، مطرح شده است. از این رو موضوع این تحقیق، مطلق انتقام نیست. به این معنا که اگر برادر مسلمان یا همسایه فرد مسلمان درباره او دچار خطایی شود و به او ضرر و خسارتی وارد نماید، حتماً باید از او انتقام گرفت و خداوند این انتقام را اجازه داده است. مورد اخیر از موضوع این پژوهش بیرون است.

موضوع این پژوهش، «انتقام سخت» از دشمنان اسلام و مسلمین است. و از اینجا به بحث درباره پرسش دوم می رسد. آیا تنها دلیل برای انتقام از دشمنان اسلام و مسلمین، آیات و روایاتی است که بر صفت و فعل الهی انتقام دلالت دارد؟ پاسخ این سوال نیز منفی است. دلایل بسیاری وجود دارد که جواز و حتی وجوب انتقام را تأیید می نماید. یکی از این موارد که در قرآن به آن تصریح شده این آیه است که «اصل مقابله به مثل» از آن برداشت می شود. خداوند می فرماید:

«الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ وَ اتَّقُوا اللهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ» (بقره: ۱۹۴) ماه حرام، در برابر ماه حرام! (اگر دشمنان، احترام آن را شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل

کنید.) و تمام حرامها، (قابل) قصاص است. و (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید!) و بدانید خدا با پرهیزکاران است!»
 در اصول فقه ثابت شده است که فعل امر دلالت بر وجوب می کند مگر اینکه قرینه بر اباحه یا استحباب باشد. (شیخ انصاری، ۱۳۸۳: ۱، ۶۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۱، ۷۵). بنابراین وقتی خداوند دستور می دهد که علیه کسی که تعدی کرده ساکت ننشینید و شما نیز بر او حمله کنید و وجوب انتقام استنباط می شود نه جواز آن یعنی مسلمان زیر بار ظلم نمی رود و تعدی را بی پاسخ نمی گذارد.

علامه طباطبایی نیز در این باره می گوید: «معنای آیه این است که چون کفار حرمت ماه حرام را رعایت نکرده، در آن جنگ راه انداختند و حرمت آن را هتک نمودند...؛ پس برای مؤمنان هم جایز شد با ایشان مقاتله کنند، نتیجه این که عمل مسلمانان هتک حرمت نبود، بلکه جهاد در راه خدا و امتثال امر او در اعلائی کلمه او بود. این تا جایی بود که اگر کفار حتی در خود مکه و مسجد الحرام هم دست به جنگ می زدند، باز هم برای مسلمانان جایز بود با آنها معامله به مثل کنند.» (طباطبایی، ۲، ۹۲) بنابر این علامه جواز انتقام را از آیه استفاده کرده است.
 رهبر معظم انقلاب اسلامی با اشاره به اهمیت مقاومت و مقابله به مثل در برابر دشمن و اجتناب از عقب نشینی می فرماید:

«شما وقتی در مقابل دشمن، درحالی که میتوانید ایستادگی کنید - که بعداً عرض خواهم کرد - عقب نشینی کردید، دشمن جلو می آید - دشمن متوقف نمیشود - و کم کم کار را به اینجا می رسانند که اینکه شما میگویید دولت جمهوری اسلامی، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه باید برطبق احکام اسلام و شریعت اسلامی باشد، اینها برخلاف آزادی است و لیبرالیسم اینها را قبول ندارد؛ کم کم به اینجاها میرسد. اگر عقب نشینی کردیم، عقب نشینی به این نقطه ها منتهی خواهد شد که [بگویند] شورای نگهبان چه نقشی در جامعه دارد و چرا باید شورای نگهبان به خاطر مخالفت با شرع قوانین را بردارد؟ حرف اینجا است. این همان چیزی است که بنده بارها عرض کرده ام که این، تغییر سیرت جمهوری اسلامی است. ممکن است صورت جمهوری اسلامی محفوظ بماند اما از محتوای خود بکلی تهی بشود؛ دشمن این را میخواهد. بنابر این تحلیل دشمن خواسته و بنابر این تحلیلی که آنها دارند در اذهان نخبگان و افکار عمومی ملت تزریق

میکنند، اگر جمهوری اسلامی و ملت ایران میخواهد از شر آمریکا راحت بشود، باید از محتوای جمهوری اسلامی دست بردارد، از اسلام دست بردارد، از مفاهیم اسلامی دست بردارد، از امنیت خود دست بردارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۱/۱).

در جمع‌بندی این اصل باید گفت انتقام سخت یکی از مصادیق مقابله به مثل است. دشمن به اعمال دست زده که کیان اسلام و سرزمین‌های اسلامی را به خطر انداخته است. اقدام به ترور آشکار مسئولان و سرداران کشور، نشان از تصور خطای دشمن در مقابله با سرزمین و کشور اسلامی است. تصور خطای دشمن آن است که اقدامات او پاسخ داده نمی‌شود و یا پاسخ محکم و متناسب را دریافت نمی‌کند. در چنین وضعیتی اقدام برای مقابله به مثل از طریق انتقام سخت، ضروری است و باید با رعایت قواعد امنیتی و شرعی و سیاسی انجام پذیرد.

اصول رعایت کرامت انسانی و حفظ جان فرد بی گناه (اصل عدم تجاوز)

در بخش مبانی، یکی از مبانی که در انتقام مطرح شد کرامت انسان بود. مبتنی بر این مبنا، در بحث انتقام سخت باید کرامت انسانی رعایت شود. این بحث دو جنبه دارد. یعنی اولاً در انتقام بایسته است کرامت شخصی که از او انتقام گرفته می‌شود رعایت شود و این امر با اصل مقابله به مثل و رعایت عدالت تحقق می‌یابد. یعنی همان گونه که دشمن رفتار کرده است باید با او رفتار کرد و دچار افراط نشد. جهت دیگر در بحث کرامت این است که برای تحقق کرامت افرادی که مورد ظلم و ستم قرار گرفته‌اند بایسته است از کسانی که با دشمنی و عدوان، به انسان‌های دارای کرامت ظلم کرده‌اند، انتقام گرفته شود.

همچنین یکی دیگر از مبانی، بحث حرمت جان انسان بود که مبتنی بر این مبنا نیز بایسته است در انتقام سخت، جان افرادی که دچار جنایت نشده‌اند به مخاطره نیفتد و فقط افرادی مورد انتقام قرار گیرند که به هر صورت جنایتکارند. چون حفظ و حرمت جان انسان یکی از مصادیق حفظ کرامت انسان است در ادامه بایستگی کرامت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

انسان مخلوق خداوند است و به دلیل انتساب به خداوند دارای کرامت است. قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به این کرامت انسانی تصریح کرده‌اند. قرآن کریم می‌فرماید: « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاَهُمْ فِي الْبُيُوتِ وَ الْبُحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا » (اسراء: ۷۰) ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکبهای راهوار)

حمل کردیم؛ و از انواع روزیهای پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم.»

در جامعه امروز جهانی تبلیغات فراوانی درباره حقوق بشر وجود دارد. سازمان‌های بین‌المللی متعددی در این زمینه فعالیت می‌کنند. گروه‌ها، نهادها، افراد و دولت‌ها نیز در این زمینه فعالیت‌های پر سر و صدایی در اقصی نقاط عالم انجام می‌دهند. با این وجود حقیقت آن است که در زمینه حقوق بشر هیچگونه تحول واقعی و ملموسی وجود ندارد. همچنان در سال ۲۰۲۲ زنان و کودکان قربانی خشونت می‌شوند. سازمان‌های حقوق بشری آنگاه، صرفاً به تامین‌کنندگان منافع قدرت‌های بزرگ بدل شده‌اند. سازمان‌های بین‌المللی به راحتی جان مردم و حقوق مردم را با پول معاوضه می‌کنند و رسماً آن را اعلام می‌کنند. در ژوئن سال ۲۰۱۶ بان کی مون دبیر کل پیشین سازمان ملل متحد، نام عربستان سعودی را از فهرست سیاه حقوق بشر خارج کرد؛ زیرا دولت عربستان سعودی مبالغ زیادی به این سازمان کمک مالی کرده بود.

در میانه این همه هیاهو اما قرآن کریم بر یک اصل مهم به عنوان «کرامت انسانی» تاکید کرده است. در آیه فوق خداوند تاکید کرده است که بنی آدم مورد کرامت الهی قرار دارند و خداوند به آنان رزق و روزی می‌دهد. این آیه یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اخلاقی و انسانی را بیان کرده است که لازم است در هر حالی به آن توجه شود. مفهوم این آیه آن است که انسان‌ها از هر نژاد و دین و آیینی که باشند مورد کرامت الهی قرار دارند و بر انسان مومن است که کرامت انسانی را مراعات کند.

مفسران در تبیین و تفسیر آیه مباحث زیادی را مطرح کرده‌اند. فخررازی در تفسیر آیه می‌نویسد انسان مرکب از روح و جسم است. روح او در عالم ملکوت و جسم او در عالم ناسوت است. بالاترین کرامت برخوردار است. وی می‌افزاید انسان به دلیل برخورداری از قوه عقلانی مورد احترام و تکریم الهی قرار گرفته است و قرآن در آیات دیگری نیز به این معنا اشاره کرده است. (فخررازی، ۲۱، ۷۳).

علامه طباطبایی معتقد است این آیه بر احترام و تکریم ویژه انسان در برابر سایر موجودات دلالت دارد. وی معتقد است اینکه برخی از مفسران تکریم انسان را به دلیل زیبایی جسم او و مانند آن دانسته‌اند، صرفاً از باب تمثیل است. و انسان به صورت خاص مورد احترام و تکریم است

و نمی‌توان به مورد خاصی در این زمینه اشاره کرد جز اینکه انسان دارای عقل است و با این عقل به کسب حقیقت و معرفت نایل می‌شود. (طباطبایی، ۱۳، ۱۶۵).

بررسی نظریات مفسران نشان می‌دهد که انسان، در هر صورت نزد خداوند مورد تکریم قرار دارد و نباید کرامت انسانی به بهانه‌های مختلف مورد تعرض قرار گیرد. البته مواردی وجود دارد که باید شخص مجرم مورد مجازات قرار گیرد و این موارد از بحث این رساله بیرون است زیرا به عنوان نمونه عدم رعایت کرامت انسانی در اجرای برخی از حدود الهی، خود بخشی از مجازات مجرمان است. اما باید توجه داشت که نمی‌توان به بهانه انجام جرم از سوی مجرم، حتی اگر دشمن باشد، کرامت انسانی را زیر پا نهاد.

در مساله انتقام سخت نیز باید به این نکته توجه کرد. دشمن شایسته انتقام سخت است اما شایسته نظام اسلامی و مردمان مسلمان نیست تا کرامت انسانی را به این دلیل زیر پا بگذارند. دشمن باید مورد انتقام سخت قرار گیرد و هزینه اعمال خویش را بپردازد اما معنای این سخن آن نیست که می‌توان هر گونه رفتار توهین‌آمیزی نسبت به او انجام داد. مطالعه و بازخوانی یک واقعه تاریخی این مساله را بهتر روشن می‌سازد.

هنگامی که ابن ملجم مرادی با شمشیر زهرآلوده فرق امام علی(ع) را شکافت، مردم او را دستگیر کردند و به حضور امام(ع) آوردند. مومنان از این حادثه به شدت ناراحت بودند و به ابن ملجم حمله کردند و به او ناسزا گفتند اما امیرالمومنین(ع) مردم را از این کار نهی فرمود و به امام مجتبی امر کرد « پسر! با اسیر خود مدارا کن و با وی طریق شفقت و رحمت پیش گیر. امام حسن(ع) عرض کرد: پدرجان، این ملعون، ضربتی سخت بر تو وارد کرد و دل‌های ما را به درد آورده است، با این حال دستور می‌دهی که با وی رفتاری مشفقانه در پیش گیریم؟ امام علی(ع) فرمود: فرزندانم، ما اهل بیت رحمت و مغفرتیم. پس وی را به آن چه خود می‌خوری، بخوران و به آن چه می‌آشامی، بیاشام. اگر من از دنیا رفتم، از او قصاص کن ولی جسدش را به آتش مسوزانید و وی را مثله نکنید. زیرا از جدت رسول خدا(ص) شنیدم که می‌فرمود: مثله نکنید، اگر چه سگ گیرنده باشد. اما اگر زنده ماندم، خودم داناتریم که با او چه رفتاری کنم و عفو وی را ترجیح می‌دهم. زیرا ما از اهل بیتیم که با گناهکاران در حق خویش، جز به عفو و کرم رفتار نمی‌کنیم.» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۴).

انتقام سخت بدون تردید حق نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به دشمنان اسلام و مسلمین است. اما این حق باعث نمی‌شود تا حقوق انسانی و کرامت انسانی از جانب نظام جمهوری اسلامی خدشه دار شود. در مساله انتقام سخت این معنا مورد نظر نظام اسلامی قرار دارد از این رو در مساله حمله غافل‌گیرکننده و کوبنده به عین الاسد، با وجود آنکه امکان کشتار نظامیان آمریکایی وجود داشت اما به دلیل آنکه آنان در مساله ترور سردار سلیمانی دخالتی نداشتند، از کشتار گسترده آنان خودداری شد. در حالی که موشک‌هایی که به تاسیسات فنی و نظامی برخورد کرد می‌توانست با فاصله چند متری بر سر نظامیان آمریکایی فرود آید.

نتیجه‌گیری

از آن چه بیان شد این نتایج به دست می‌آید:

۱. انتقام سخت یک مفهوم بدون پشتوانه عقلانی و شرعی نیست بلکه هم عقل و هم شریعت اسلام با شرایط خاصی بر انتقام تأکید دارد.
۲. در جهان هستی، اموری هستند که پایه و مبنای انتقام قرار می‌گیرند.
۳. مهم‌ترین مبنا در انتقام، وجود و توحید خداوند است که بدون وجود او هر اندیشه و هر عملی را می‌توان انکار کرد. از دیگر مبانی انتقام، عدالت اوست. هدفمندی خلقت از دیگر مبانی انتقام است که بدون آن انتقام بی‌معنا می‌شود. همچنین کرامت انسان و پیروزی و علو اسلام، دو مورد دیگر از مبانی انتقام در اندیشه دینی می‌باشند. از دیگر مبانی انتقام بحث حرمت جان انسان و مسئول بودن انسان نسبت به اعمال و رفتار خود می‌باشد.
۴. بر اساس مبانی انتقام، بایسته‌هایی وجود دارد که از آن‌ها به نام «اصول» یاد می‌شود.
۵. شش اصل انتقام گرفتن از دشمن، ظلم ستیزی، عدالت در انتقام، مقابله به مثل و رعایت کرامت انسانی و حفظ جان انسان، از مهم‌ترین بایسته‌هایی هستند که در تحقق انتقام باید مورد توجه قرار گیرند.

منابع

قرآن.

ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم، **کفایة الاصول**، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
- ألوسی، محمود بن عبدالله، **روح المعانی**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- امام جعفر صادق (ع)، **مصباح الشریعه**، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- انصاری، مرتضی، **مطارح الأنظار**، مجمع الفكر الاسلامی، قم، ۱۳۸۳.
- جرجانی، عبدالقاهر، **التعريفات**، تهران، ناصرخسرو، ۱۴۱۲ ق.
- خویی، سیدابوالقاسم، **موسوعه الامام الخوئی**، قم، احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ ق.
- صبحی صالح، **نهج البلاغه**، قم، دار الهجره، بی تا.
- صدوق، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمه**، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
- _____ من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
- طباطبایی، سید محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق.
- فخر رازی، محمود بن عمر، **مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)**، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- مازندرانی، محمد صالح، **شرح اصول الکافی**، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ ق.
- مجموعه آثار شهید مطهری**، تهران، صدرا، بی تا.
- مفید، محمد بن محمد، **الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
- پایگاه اینترنتی مقام معظم رهبری.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: تاجیک اسماعیلی رسول، اشرفی اکبر، بخشایشی اردستانی احمد، کرم عبدالحسین الله، مبانی و اصول انتقام سخت در قرآن و حدیث، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۵۷۸-۵۵۱.